

درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی الحیض

موضوع جزئی: تعریف قُرْشِیّه

سال تحصیلی: ۱۴۰۲-۱۴۰۱

تاریخ: ۱ بهمن ۱۴۰۱

مصادف با: ۲۸ جمادی الثانی ۱۴۴۴

جلسه: ۵۵

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در تعریف قُرْشِیّه بود. عرض شد که قریش، نضر بن کنانه است که از اجداد پیامبر گرامی اسلام (ص) می باشد که به نام قریش شناخته می شده است و وجه تسمیه او به قریش این است که چون نضر بن کنانه مردی بزرگ و خردمند و رئیس قبیله بوده است که متفرقات قوم را کنار هم جمع می کرده است و همه سر سفره او جمع می شده اند به او قریش می گفته اند یا آن گونه که جوهری در کتاب صحاح مطرح کرده است، قریش از اسم ماهی ای گرفته شده است که بر ماهیان دیگر برتری دارد و آنها را می خورد و هیچ ماهی دیگری نمی تواند او را بخورد و بر او برتری یابد و این کنایه از این است که قریش از نظر مقام و منزلت به گونه ای بوده اند که در نزد همه محترم و کسی نمی توانسته با آنها مقابله کند. همچنین، کلمه قریش به فِهر بن مالک بن نضر و قُصی نیز اطلاق شده است، اما قدر مسلم این است که منظور از قریش، نضر بن کنانه است و مالک، فرزند نضر بن کنانه است و فِهر فرزند مالک است و قریش از نسل فِهر بن مالک بن نضر بن کنانه می باشد و لذا به اولاد منتسب به برادران فِهر، قریش اطلاق نمی شود.

سؤال: در زمان کنونی، قریش بر چه کسانی اطلاق می شود؟

پاسخ: در زمان حاضر، قریش بر اولاد حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) و اولاد عباس اطلاق می شود زیرا نسبت به اولاد مالک علم نداریم که غیر از فِهر فرزند دیگری داشته است تا نسبت به قرشی بودن اولاد آنان بحث شود و تنها چیزی که برای ما معلوم و مشخص است این است که فرزندان فِهر، قرشی می باشند و در عصر حاضر، اولاد امام علی (ع) و عباس، قرشی می باشند.

سؤال: آیا قرشی فقط بر کسی اطلاق می شود که از طرف پدر به اولاد امیرالمؤمنین (ع) و فرزندان عباس منسوب باشد یا بر کسی که فقط از طرف مادر به اولاد امیرالمؤمنین (ع) و عباس منسوب باشد نیز قرشی اطلاق می شود، هرچند که از طرف پدر منسوب نباشد؟

پاسخ: نظر مشهور، از جمله مرحوم صاحب جواهر (ره) و مرحوم شیخ انصاری (ره)، این است که اگر شخص از طرف پدر به اولاد امیرالمؤمنین (ع) و فرزندان عباس منسوب باشد، قرشی محسوب می شود، اما اگر شخص فقط از طرف مادر به اولاد امیرالمؤمنین (ع) و فرزندان عباس منسوب باشد، قرشی محسوب نمی شود.

ادله قول مشهور

دلیل اول، تبادر است. گفته اند که متبادر از لفظ قرشی، کسی است که از طرف پدر به اولاد امیرالمؤمنین (ع) و فرزندان عباس منسوب باشد و تبادر علامت حقیقت است.

دلیل دوم، صحت سلب است. گفته اند که صحیح است که قرشیّت از کسی که از طرف مادر به اولاد امیرالمؤمنین (ع) و فرزندان عباس منتسب است، سلب شود و صحت سلب و عدم صحت سلب نیز علامت حقیقت است.

دلیل سوم، استدلال به روایت ذیل؛

عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «إِذَا بَلَغَتِ الْمَرْأَةُ خَمْسِينَ سَنَةً لَمْ تَرَ حُمْرَةً إِلَّا أَنْ تَكُونَ امْرَأَةً مِنْ قُرَيْشٍ»^۱.

گفته‌اند که ظهور تعبیر «إِلَّا أَنْ تَكُونَ امْرَأَةً مِنْ قُرَيْشٍ» در صدق منتسب از طریق پدر به قریش، از منتسب از طریق مادر به قریش بیشتر است، یعنی لفظ «قریش» ظهور در انتساب از طریق پدر دارد.

اشکال بر ادله مذکور

اولاً، تبادر مذکور، پذیرفته نیست و چنین تبادری که بتواند در مقابل اطلاق قرشی [که هم انتساب از طرف پدر را و هم انتساب از طرف مادر را شامل می‌شود]، بایستد، وجود ندارد، به نحوی که اصلاً انتساب از طرف مادر، به ذهن خطور نکند، بلکه گفته شود که آنچه که به ذهن تبادر می‌کند این است که قرشی به کسی گفته می‌شود که از ناحیه پدر به اولاد امام علی (ع) و عباس منتسب باشد بنابراین، چنین تبادری وجود ندارد. بله! ممکن است که تبادر مذکور، از یک نظری که در ذهن نقش بسته است ناشی شده باشد، ولی چنین تبادری که از یک چیز دیگر الهام گرفته باشد و مسبوق به یک سابقه ذهنی باشد، معتبر نیست، بلکه تبادری حجت است که مسبوق به چیزی نباشد. پس نمی‌شود گفت که متبادر از لفظ قرشی، این است که شخص، از ناحیه پدر به اولاد امام علی (ع) و عباس منتسب باشد و انتساب از ناحیه مادر به نحو مجاز است و به نحو حقیقت نیست. لذا شعر معروف ذیل، صحیح نیست؛ «بنونا بنو أبنائنا و بناتنا بنوهنَّ أبناء الرجال الأباعد»؛ فرزندان پسران ما فرزندان ما هستند و پسران دختران ما فرزندان مردان غریبه هستند.

زیرا امام حسن (ع) و امام حسین (ع) که از ناحیه مادر به پیامبر (ص) منتسب می‌شوند، فرزندان پیامبر (ص) محسوب می‌شوند. ثانیاً، صحت سلب قرشی، نسبت به کسی که از ناحیه مادر به اولاد امیرالمؤمنین (ع) و عباس منسوب باشد، صحیح نیست، بلکه عرف و لغت شاهد بر صحت اطلاق قرشی بر منتسب از ناحیه مادر می‌باشند. کما اینکه از استدلالاتی که در اخبار، بر صحت اطلاق اولاد رسول الله (ص) وارد شده‌اند، استفاده می‌شود که منتسب از ناحیه مادر نیز قرشی محسوب می‌شود.

ثالثاً، تعبیر «إِلَّا أَنْ تَكُونَ امْرَأَةً مِنْ قُرَيْشٍ» که در روایت مذکور، آمده بود، در صدق منتسب از طریق پدر به قریش ظهور ندارد زیرا؛ اگر قریش، به عنوان یک طایفه حساب شود، مراد از «مِنْ» در «مِنْ قُرَيْشٍ»، مِنْ تبعیضیه است که معنایش این می‌شود که زنی مراد است که بعضی از طایفه قریش است، یعنی از قریش است و طایفه منحصر به این نیست که انتساب به قریش فقط از طریق پدر باشد، پس کمترین ارتباطی برای اینکه از طایفه قریش باشد، کفایت می‌کند لذا هم انتساب از ناحیه پدر را و هم انتساب از طریق مادر را شامل می‌شود و بر منسوب از ناحیه مادر نیز صدق می‌کند که گفته شود که از طایفه قریش است پس نمی‌توان گفت که قرشی به کسی گفته می‌شود که فقط از ناحیه پدر به قریش منسوب باشد و حتی در رابطه با موردی که انتسابی در کار نیست نیز کلمه طایفه به کار می‌رود، مثل اینکه به خاطر توافق اجتماعی که کرده‌اند، یک طایفه محسوب می‌شوند، هرچند که هر کدام از یک پدر و مادر باشند، مثل اینکه گفته می‌شود که فلان طایفه سر چشمه جمع شده‌اند که هرچند انتسابی در کار نیست و هر کدام از یک پدر و مادر می‌باشند، لکن به خاطر اجتماعی که صورت گرفته است یک طایفه محسوب می‌شوند.

و اگر منظور از قریش، خودِ نصر بن کنانه باشد و منظور از قریش، طایفه نباشد در این صورت، منظور از تعبیر «إِلَّا أَنْ تَكُونَ امْرَأَةً مِنْ قُرَيْشٍ»، زنی است که از فرزندان قریش باشد [که منسوب به نصر بن کنانه می‌باشد] که از طریق ولادت به نصر بن کنانه منسوب

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الحيض، باب ۳۱، ص ۳۳۵، ح ۲.

می‌باشد و این تعبیر، در اینکه انتساب به قریش فقط باید از ناحیه پدر باشد، ظهور ندارد، بلکه انتساب می‌تواند از طریق پدر باشد یا از طریق مادر باشد.

«الحمد لله رب العالمین»